

پرده نقره‌ای

رضا بابک:
کسی به ما کار نمی‌دهد



رضا بابک بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون درباره آخرین فعالیت‌های خود در عرصه سینما گفت: در حال حاضر مشغول به پروژه خاصی نیستم، البته پیشنهادهایی وجود دارد اما فعلاً بازی کار خاصی را قبول نکردم و وی در همین راستا ادامه داد: البته فیلم سینمایی «بنفشه افریقایی» را آماده‌اکران دارم، این فیلم سال گذشته در جشنواره فیلم فجر حضور یافت و خوشبختانه بازخوردهای خوبی را به همراه داشت، خود من فیلم را دوست داشتم و احساس می‌کنم مردم هم فضای فیلم را دوست داشته باشند. بازیگر فیلم «بنفشه افریقایی» درباره کم‌کار بودن خود در عرصه بازیگری تأکید کرد: در شرایط فعلی دوست ندارم در مورد سینما حرفی بزنم، واقعیت امر یا پیشنهاد خوب نبود یا اگر پیشنهادی بود دوست نداشتم در آن بازی کنم، شما یک آمار بگیرید می‌بینید که طی بیست سال اخیر تعداد بسیار محدودی در سینما بازی داشته‌اند. بازیگران این سال‌ها خیلی تکراری شده‌اند، وی درباره حضور برخی عوامل برای انتخاب نقش هادر سینما افزود: طی سال‌های اخیر مسئولین انتخاب بازیگر وارد سینما شده‌اند که خواسته و ناخواسته ما را کنار می‌گذارند، حتی من شاهد این بودم که کارگردان من را برای بازی می‌خواست اما به او می‌گفتند که یا مریمم و یا اصلا در ایران نیستیم در صورتی که اصلاً این طور نبود.

نیما شاهرخ شاهی
کارگردانی می‌کند



نیما شاهرخ شاهی بازیگر فیلم‌های پارک وی، دایره زنگی و آینه‌های ورور و به پیش از این دوره‌های کارگردانی پیشرفته رانز داصغر فرهادی گذرانده، این روزها اولین فیلم خود را در مقام کارگردان جلوی دوربین برده است. شاهرخ شاهی از سال ۱۳۸۲ با فیلم «مکس» سامان مقدم وارد عرصه بازیگری شد و تاکنون در بیش از ۱۳۰ اثر سینمایی و سریال ایفای نقش کرده است. «مرکور کروم»، یک درام روان‌شناختی پرماجراست که فضایی رازآلود و سرشار از تعلیق را به تصویر می‌کشد. در این فیلم نیما شاهرخ شاهی، ویداجوان، شهریار شهیمیری و دایانا جعفری بازی می‌کنند.

لعیا زنگنه مادر «آقازاده» شد

لعیا زنگنه و ثریا قاسمی به سریال شبکه نمایش خانگی «آقازاده» پیوستند؛ سریالی که حامد عنقا تهیه‌کننده‌اش اعتقاد دارد بسیاری را یادپدش بی‌خواب خواهند شد. زنگنه پیش از این با بهرنگ توفیقی، حامد عنقا و حتی مهدی سلطانی، سریال «پدر» را تجربه کرده و این دومین همکاری او با این تیم است. البته نقش مادر حامد داستان را برعهده گرفته است؛ نقشی که بر عهده سینا مهراد است و در سریال «پدر» هم لعیا زنگنه همین نقش را با نام شریفه بر عهده داشت اما مادر داستان «آقازاده» پرفراز و نشیب‌تر و متفاوت‌تر است. ثریا قاسمی پیشکسوت سینمای ایران نیز نقش «احترام» مادر بزرگ نقش اصلی زن قصه را برعهده دارد؛ چهره تازه‌ای که هنوز نام و عکسی از او منتشر نشده است و قاسمی نقش ویژه خاصی در ارتباط با این کاراکتر دارد. زنگنه که کار خود در سینما و تلویزیون ایران را با راهنمایی‌های اساتیدی چون ثریا قاسمی در دهه ۷۰ آغاز کرده، پیش از این در سریال خاطر انگیز «در پناه تو» با او همکاری داشته است.

«هزار تو»؛ یک شهاب حسینی و دیگر هیچ

چگونه فرهنگ «جم» در حال غلبه است؟



ایمان عبدلی

ایمان عبدلی، تمام داستان فیلم «هزار تو» را لو می‌دهد، اگر فیلم را ندیده‌اید، این یادداشت را فعلاً نخوانید. در آن سال‌های ابتدایی نفوذ شبکه‌ای چون «جم» در ایران، باید پیش‌بینی می‌کردیم روزی خواهد رسید که سریالی چون «ستایش» پربیننده شود و فیلمی هم همچون «هزار تو» ساخته امیرحسین تریابی، در اکران خوب بفرود شود. قرار نیست از موضع تفرعن و بی‌انگیزی از بالا آن‌هایی که چنین آثاری را دوست دارند نکوهش کنیم. این صرفاً یک مقدمه توصیفی برای نوشته‌ای است در باب «هزار تو»

«بردیبا» فرزند «نگار» و «امیرعلی» گم شده و ما از لحظه گم شدن او به جهان داستان وارد می‌شویم. جهانی که متأثر از سینمای فرهادی از فاجعه شروع می‌کند و هندسه‌اش راوی زشتی‌هایی است که پس از فاجعه خودش را نشان می‌دهد. انگار این شعر «چون پرده درافتد، نه تو مانی و نه من» پلات فیلمنامه‌هایی این چنینی است. عیبی هم ندارد این اتفاقاً نقطه خوبی برای شروع یک

درام است و اتفاقاً چون از تراژدی شروع می‌کند و جهان آدم‌هایش ویران است، خیلی راحت‌تر می‌تواند به سمت گره‌افکنی و گره‌گشایی و ایجاد تعلیق برود؛ اما آیدر «هزار تو» ما از مزایای یک درام - تراژدی بهره‌ای می‌بریم؟ آیا لحظات تعلیق فیلمنامه درست تعریف شده است؟ آیا جهان داستان هوشمندتر از جهان ذهنی مخاطب است؟ آیا اصلاً این فیلم مشخصات یک کار واقع‌گرایانه را دارد؟

جهان داستان به کاراکترهایش زنده است. کاراکترهای زنده، آن‌هایی هستند که ما انگیزه‌ها و ضعف‌هایشان را می‌شناسیم و باور داریم؛ چون باور داریم پس رفتارهایشان را می‌پذیریم و گام به گام با آن‌ها هم‌دل می‌شویم. نگار (ساره بیات)، همسر اولش را از دست داده، او برای نجات زندگی‌اش با رفیق صمیمی همسر اولش یعنی امیرعلی (شهاب حسینی) ازدواج می‌کند. ما رفته رفته متوجه می‌شویم که این یک ازدواج کارکردی بوده و علاقه‌ای در بین نیست. این در حالی است اصولاً نگاه نگار و خانوادهاش به امیرعلی مثبت نیست و آن‌ها گمان می‌کنند، او در مرگ اسفندپار دست داشته و

حالا هم که بردیا گم شده باز هم ظن به سمت امیرعلی است که نکند عمداً کاری کرده باشد. در اینجا نگاهم به طور خاص به کنش نگار است، او دم‌دم‌تترین راه را برای بقای خود و خانواده‌اش انتخاب کرده، نگار کاراکتری کنش‌مند نیست و به عبارتی دچار یک نقص جدی روانشناختی است.

امیرعلی هست پشت پرده فرمان بوده و به نوعی عامل مرگ صمیمی‌ترین رفیقش در یک تصادف بوده است. او با نگار از دواج می‌کند تا عذاب وجدانش را التیام بدهد احتمالاً. امیرعلی با دوست صمیمی نگار رابطه پنهانی دارد. او به مامور پلیس در رابطه با جزئیات گم شدن فرزندش همه راست را نمی‌گوید، چون می‌ترسد آبرویش بریزد. امیرعلی در جایی از داستان به یکی از طرف‌های کاری‌اش شک می‌کند که نکند بچه را او زده باشد، شک باعث می‌شود که او را تا مرز مرگ ببرد. کمی بعد تر او کلی پول را از پس چند تماس، به یک دختر می‌دهد که شاید بچه‌اش را پیدا کند و احتمالاً بازی می‌خورد. او در عین حال در کارش بسیار موفق است و ثروت زیادی دارد. رفتارهای امیرعلی تناسب ندارد و شخصیت همگن

و یا حداقل قابل‌باوری نمایش نمی‌دهد. امیرعلی هم یک نقص آشکار روانشناختی دارد.

بی‌تأثیر امیرعلی را از مدت‌ها پیش می‌خواستیم و حتی قبل‌تر به نگار

گفته بوده که امیرعلی را تحت هر عنوان می‌خواهد. بی‌تأثیر شدت یادآور زنان تنهای دلبر بی‌کس و کار فیلمفارسی‌هاست. کلیشه‌ای‌ترین کاراکتر داستان همین است که تک تک سکناتش قابل پیش‌بینی است. او برای این که از رفتن امیرعلی و نگار به آمریکا جلوگیری کند دست به یک اقدام متهورانه می‌زند. او از دم‌دستی‌ترین اقدامات برای پیشبرد اهدافش استفاده می‌کند. مشخص نیست چرا تا این اندازه دل‌بسته امیرعلی است؟! بی‌تأثیر چهار تنهایی شدید است و او ضعف محبت دارد و این هم یک نقص آشکار روانشناختی است.

این شرح سه کاراکتر هسته‌ای داستان بود. هر سه مشکل جدی دارند و در اسرع وقت باید به روانپزشک مراجعه کنند! طبعاً جهان روابط آدم‌هایی با چنین حفره‌های شخصیتی، جهانی مبتذل و احتمالاً نیست. چنین کاراکترهایی اساساً دچار تراژدی نمی‌شوند، چون تراژدی آغشته به درد سنگینی است که یک انسان مختار و مستقل را دچار می‌کند و جهان احق‌ها نه تراژدی دارد و نه درام.

مسئله تعلیق
سه تعلیق درشت داستان را در اینجا بررسی می‌کنم؛ مورد اول جایی است که متوجه می‌شویم امیرعلی و بیتا رابطه دارند. آیا رودست خورده‌ایم؟ نه! چون تعلیق پسر از ظرایف و پیچیدگی است و آن لحظه‌ای که در ابتدای فیلم گوشی بیتا زنگ می‌خورد و امیرعلی پشت خط هست و نگار با چشم و ابرو واکنش نشان می‌دهد، متوجه می‌شویم که یک جای کار می‌لنگد.



که چه دست‌هایی مانع از این است که جامعه فرهنگی - هنری و خصوصاً فیلمسازان احساس آرامش کنند؟» روزنامه کیهان هم ضمن انتقاد از نامه اخیر سینماگران نوشت: سانسور دقیقاً همان کاری است که اکثر این سینماگران طی ۴۰ سال اخیر انجام دادند: «جای سؤال است، این فیلمسازان که ضعف کار خود را به سانسور و نبود آزادی نسبت می‌دهند، چرا وقتی از کشور

خبر

جای خالی کیمیایی و مهرجویی در میان امضاکنندگان

نامه اعتراضی ۲۰۰ سینماگر جنجالی شد

شنبه بود که بیش از ۲۰۰ سینماگر در ایران با انتشار بیانیه‌ای به مواردی چون سانسور، ناتوانی قوه مجریه در اجرای قانون و ورود سرمایه‌های مشکوک به سینما اعتراض کردند. سینماگران امضاکننده این بیانیه نوشتند: «سال‌های سال است موقعیت حرفه‌ای ما مورد هجوم و آسیب قرار گرفته است»

بهرام بیضایی، ناصر تقوایی، اصغر فرهادی، پرویز کیمیایی، جعفر پناهی و... جمله سینماگرانی هستند که امضایشان پای این بیانیه دیده می‌شد.

«امنیت شغلی» موضوعی است که سینماگران در بند نخست بیانیه به آن اشاره کرده و با بیان این که «برخی فیلم‌سازان به خاطر ساختن اثری انتقادی، محکوم به زندان و ممنوعیت خروج از کشور و یا با ممنوعیت کار روبه‌رو شده‌اند»، اضافه کرده‌اند که تبعیض‌های آشکار در توزیع فرصت‌ها و امکانات، و سانسور، موجب مهاجرت ناخواسته شماری از سینماگران شده است.

سینماگران در بخشی دیگر از بیانیه خود ضمن اشاره



خارج می‌شوند و به جهان آزاد (!) می‌گذارند هم نمی‌توانند فیلم خوبی بسازند؟ به راستی چند فیلمساز ایرانی وقتی از فضای به‌زعم ایشان بسته و پراسانسور ایران خارج می‌شوند، فیلم خوب و مهمی ساخته‌اند؟ آنچه که مسلم است حواشی این نامه ادامه خواهد داشت و نکته جالب جای خالی مهرجویی و کیمیایی است، در حالی که چهره‌های چون روح‌الله حجازی پای این نامه را امضا کرده است.

سینماگران امضاکننده بیانیه ضمن اشاره به «سوءاستفاده از ارزش‌ها به قصد تصاحب سرمایه‌های عمومی و ایجاد رانت‌های هنگفت برای نپاهادها و افراد خاص»، از تلاش این دست‌افراد به قصد گرفتن رانت‌های بیشتر نیز خبر داده‌اند. سینماگران معترض در پایان بیانیه خود به بازماندن سینمای ایران از درخشش در عرصه‌های جهانی و نیز ریزش مخاطب داخلی بر اثر «همه این محدودیت‌ها» اشاره کرده‌اند.

همزمان با انتشار این بیانیه، خانه سینما نیز با انتشار نامه‌ای خواهان دیدار فوری با رئیس قوه قضاییه شد. خانه سینما در نامه خود خطاب به ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضاییه نوشت: «ما با این پرسش بی‌پاسخ روبه‌رو هستیم